

تبیین استراتژی ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران پس از برجام

محسن بیوک^۱، عبدالرضا فرجی‌راد^۲، عزت‌الله عزتی^۳

تاریخ دریافت: ۰۸.۰۲.۱۳۹۶

تاریخ پذیرش: ۰۳.۰۲.۱۳۹۷

چکیده

دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای و در پی آن، تحریم‌های چندجانبه‌ای که توسط شورای امنیت سازمان ملل، اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا علیه ایران اعمال شد، قدرت ملی را هدف قرار داده و باعث کاهش وزن ژئوپلیتیک ایران شده بود. پس از ۱۲ سال مذاکره و با تغییر در مکانیسم و ابزارهای سیاست خارجی و اتخاذ راهبرد تنش‌زدایی، مفاهمه و اعتمادسازی در دولت یازدهم، ایران با ۲۳ ماه مذاکره با شش قدرت جهانی، توانست در ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ در وین به توافق هسته‌ای موسوم به برجام برسد.

با توجه به آثار و پیامدهای برجام، هدف مقاله حاضر پاسخگویی به این سؤال‌هاست که قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای ژئوپلیتیک برجام چیست؟ استراتژی ژئوپلیتیک ایران پس از برجام کدام است؟ با ارائه مدل تحلیلی SWOT و ارزیابی موقعیت و اقدام استراتژیک (space) نتایج مقاله نشان می‌دهد که موقعیت ایران پس از برجام در ناحیه SO قرار دارد. بنابراین، متناسب با این ناحیه، استراتژی ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران پس از برجام تدوین و ارائه می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: برجام، موقعیت ژئوپلیتیک، وزن ژئوپلیتیک، استراتژی ژئوپلیتیک

۱. دانشجوی دکتری تخصصی جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

۲. (نویسنده مسؤل)، دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

(a.farajirad@yahoo.com)

۳. دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

مقدمه

ایران پیش از توافق هسته‌ای، زیر فصل هفتم منشور ملل متحد قرار داشت. در چهارچوب این فصل، ۶ قطعنامه شامل ۴ قطعنامه تحریمی علیه جمهوری اسلامی ایران صادر شد که قطعنامه اول زیر ماده ۴۰ و ۵ مورد دیگر زیر ماده ۴۱ این فصل که به انواع فشارهای اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک علیه تهدیدکننده، نقض‌کننده یا متجاوز به صلح بین‌المللی مربوط است، صادر شده‌اند. چهار قطعنامه تحریمی شورای امنیت، طیف گسترده‌ای از تحریم‌ها را در بخش‌های مختلف؛ به‌ویژه اقتصادی، هسته‌ای و نظامی، علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال نموده است.

همچنین، تحریم‌ها بخش عمده‌ای از دارایی‌ها و درآمدهای نفتی ایران را در کشورهای مقصد صادرات نفتی آن مسدود نمود و امکان انتقال سایر درآمدهای حاصل از صادرات نیز دشوار شد. تحریم بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ارتباط سیستم مالی کشور را با خارج قطع نمود و در نتیجه این وضعیت، ارزش پول ایران به‌طور اساسی کاهش یافت، کسری بودجه دولت افزایش پیدا کرد، هزینه‌های مبادلات و تجارت خارجی به شدت بالا رفت، تورم سیر صعودی پرشتابی به‌خود گرفت، بیکاری افزایش یافت، رشد تولید ناخالص داخلی به‌شدت کاهش یافت و منفی شد و دیگر نماگرهای اقتصادی نیز با افت شدیدی مواجه شدند. در مجموع، بخش‌های مختلف اقتصاد ایران، وضعیت دشواری یافت و این باعث فشارهای درخور توجهی به کشور و مردم شد. افزون بر این، جمهوری اسلامی ایران به مسأله‌ای امنیتی در نظام بین‌الملل تبدیل شده بود و فضای امنیتی علیه این کشور به‌شکل بی‌سابقه‌ای تشدید شده و روند آن صعودی بود. تداوم آن شرایط می‌توانست ایران را هم از درون و هم در خارج، با خطرهای تهدیدهایی جدی و غیرقابل پیش‌بینی روبه‌رو سازد. وضع جمهوری اسلامی ایران هم در داخل به سمت روند نامطلوبی پیش می‌رفت و هم در سیاست خارجی؛ به‌ویژه در مسائل منطقه، پیچیدگی‌های زیادی پیدا کرده

تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام/ ۳۱

بود. تداوم چنین فضایی می‌توانست پیامدهای نامناسبی برای جمهوری اسلامی ایران در پی داشته باشد.

با روی کار آمدن دولت یازدهم و ۲۳ ماه مذاکره مداوم با نمایندگان ارشد ۵+۱ و به دنبال دو توافق موقت وین و لوزان، نهایتاً در تیرماه ۱۳۹۴ ایران به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) دست یافت که بر اساس آن، ضمن حفظ چرخه سوخت، دوره‌ای از محدودیت ۱۰ ساله را بر صنایع هسته‌ای خویش در مقابل رفع تحریم‌های بین‌المللی اعمال می‌کرد.

با توجه به شرایطی که در توافق هسته‌ای ذکر شده، جمهوری اسلامی ایران برای بازگشت به وضعیت مطلوب باید یک استراتژی ژئوپلیتیک و شرح وظایف جدیدی را در سیاست خارجی تعیین و تبیین نماید تا بر اساس آن فرصت‌های از دست رفته جبران و ضعف‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برطرف شود و به‌گونه‌ای عمل کند که در آینده با توجه به شرایط سخت برجام، با افزایش تعامل با جامعه جهانی و ایجاد پیوندهای اقتصادی و سیاسی با هر منطقه از دنیا که با آنها در ارتباط است، بتواند علاوه بر رونق اقتصادی، سیاسی و فرهنگی؛ نفوذ منطقه‌ای و اعتبار بین‌المللی را که در نتیجه دو سال گفتگو برای توافق به دست آمده، حفظ نماید.

با توجه به دستاوردها و پیامدهای متعدد برجام، فضایی جدید توأم با نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای جدیدی پیش روی ایران قرار داده که طبیعتاً برای بهره‌گیری از فرصت‌ها و مقابله با تهدیدها و نیز افزایش قدرت ملی و وزن ژئوپلیتیک، به استراتژی‌هایی نیاز دارد که ناشناخته و تدوین نشده است. بنابراین، سؤال اصلی این است که مناسب‌ترین استراتژی رفتاری برای جمهوری اسلامی ایران در اوضاع پس از برجام چیست؟ کوشش نگارنده بر آن است که فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌های برجام را

مشخص نماید و در نهایت، به تدوین استراتژی‌های ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران پس از برجام پردازد.

مقاله حاضر، بر اساس نوع تحقیق، کاربردی است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و از نظر رویکرد آمیخته است. داده‌هایی کمی و کیفی در این مقاله وجود دارد که به صورت ترکیبی بررسی، تجزیه و تحلیل شده است. گردآوری اسناد، مدارک و انجام مصاحبه، کیفی و پرسشنامه کمی است.

برای گردآوری اطلاعات، دو روش کتابخانه‌ای(اسنادی) و میدانی (پیمایشی) در نظر گرفته شده است. در روش کتابخانه‌ای از مقالات، گزارش‌ها و اطلاعات پایگاه‌های تخصصی اینترنتی استفاده شده و برای تکمیل و تأیید آنها، با هفت نفر از صاحب‌نظران یا کارشناسانی که مستقیماً با پرونده هسته‌ای در ارتباط بوده‌اند، مصاحبه شده است. در روش پیمایشی، به منظور تعیین وزن و اهمیت عوامل محیطی داخلی (نقاط قوت و ضعف) و خارجی (نقاط فرصت و تهدید) برجام و شاخص‌های آن، پرسشنامه‌ای با استفاده از طیف لیکرت تهیه شد و نظر ۴۸ نفر از نخبگان و صاحب‌نظران دریافت و با کمک نرم‌افزارهای Excel و SPSS، تجزیه و تحلیل شد. به منظور تعیین تأثیر و پایایی متغیرهای مختلف، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که نتایج آلفای همه فاکتورها ۰/۹۷ است.

چارچوب نظری

تحلیل SWOT، مدل تحلیلی مختصر و مفیدی است که به شکل نظام‌یافته هر یک از عوامل قوت(S)، ضعف(W)، فرصت‌ها(O) و تهدید(T) را شناسایی کرده و

-
4. Strength
 5. Weakness
 6. Opportunity
 7. Threat

تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام/ ۳۳

استراتژی‌های متناسب با موقعیت کنونی را منعکس می‌سازد. در این مدل، فرصت‌ها و تهدیدها نشان‌دهنده فرصت‌های مطلوب و چالش‌های نامطلوب عمده‌ای است که در محیط خارجی وجود داشته و در مقابل، قوت‌ها و ضعف‌ها (شایستگی‌ها، توانایی‌ها، مهارت‌ها و کمبودها) وضعیت محیط داخلی مورد مطالعه را به نمایش می‌گذارد (علی‌احمدی و دیگران، ۱۳۸۲: ۲۴۶).

تجزیه و تحلیل راهبردی، مرحله بسیار مهمی در فرایند برنامه‌ریزی راهبردی محسوب می‌شود. در این مرحله، موقعیت بر اساس قوت‌ها و ضعف‌هایی که در محیط درونی، و فرصت‌ها و تهدیدهایی که در محیط بیرونی وجود دارد، ارزیابی می‌شوند که حاصل آن در ماتریس تعیین موقعیت و اقدام استراتژیک (space) چهار دسته استراتژی است (علی‌احمدی، همان: ۳۱۳):

۱- تهاجمی^۸

۲- رقابتی^۹

۳- محافظه‌کار^{۱۰}

۴- تدافعی^{۱۱}

استراتژی ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای با پتانسیل‌های مؤثر بازیگری در عرصه‌های بین‌المللی، ضمن اثرپذیری از دگرگونی‌های روابط بین‌الملل، به‌دنبال تاثیرگذاری بر روابط و ساختارهای موجود است. جغرافیای وسیع و متمایز ایران، منابع عظیم انرژی در داخل و اطراف ایران، ترکیب و کیفیت ساختار جمعیتی جوان و مستعد، انسجام

8. Aggressive

9. competitive

10. Conservantive

11. Defensive

ایدئولوژیک، عمق و گستردگی حوزه نفوذ فرهنگی، موقعیت منحصربه‌فرد ژئوپلیتیک با تاثیرات متقابل استراتژیک بر تحولات منطقه‌ای و سایر مزایای نسبی متعدد، از جمله ویژگی‌های شاخص ایران در فضای بین‌المللی است. با وجود این، ثبات و تامین امنیت داخلی و خارجی، رشد و توسعه اقتصادی، ارتباطات گسترده با حوزه‌های نفوذ نرم‌افزاری و تأثیرگذاری بر تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران، در شرایطی تحقق می‌یابند که جمهوری اسلامی ایران، توسعه پایدار و تعاملات داخلی و خارجی خود را در قالب یک استراتژی جامع و متکی بر واقعیت‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک، با تکیه بر مزیت‌های نسبی کشور، طراحی و تدوین نماید. این مهم از دیدگاه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، بیانگر یک طراحی استراتژیک با عنوان استراتژی ژئوپلیتیک است که برای تبیین چرایی و چگونگی تدوین آن می‌توان گفت عبارت از یک جامع‌نگری عملیاتی با نگرش و رویکردهای استراتژیک مبتنی بر واقعیت‌های جغرافیایی مولد قدرت است؛ به گونه‌ای که با نگاهی فراگیر از دور به نزدیک و یا از بالا به پایین، بستر ورود به صحنه‌های قدرت را با حداقل هزینه و در بالاترین سطح ممکن با هدف بازنمایی و تامین بهینه منافع همه‌جانبه کشور، فراهم نماید.

عمده‌ترین دلایل و شواهد عینی در کشورهای برخوردار از استراتژی ژئوپلیتیک عبارتند از: ۱- وجود فضای باز ژئوپلیتیک؛ ۲- میزان سرمایه‌گذاری‌های خارجی و بزرگنمایی ابعاد اقتصادی. استراتژی ژئوپلیتیک یک کشور، به چگونگی روابط با کشورهای کلیدی و نقش‌آفرین در نظام بین‌الملل ارتباط دارد که مجموع این کشورها با همه تحولات به کمتر از تعداد ۳۰ کشور می‌رسد. بنابراین، باز شدن ژئوپلیتیک در گرو ارتباطی مستقیم با این کشورهای کلیدی عضو سازمان ملل است که با این معادله جمهوری اسلامی ایران عملاً فاقد ژئوپلیتیک باز است. علت عدم موفقیت ایران در جذب این کشورهای کلیدی این است که متحدان استراتژیک خود را از روی اهداف تاکتیکی آنها انتخاب می‌کند؛ نه از

تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام / ۳۵

روی اهداف استراتژیک متقابل. یکی دیگر از دستاوردهای استراتژی ژئوپلیتیک، میزان سرمایه‌گذاری خارجی است. در این راستا، با توجه به اینکه بنیاد اقتصادی ایران بر محور انرژی قرار دارد و بر پایه اهداف استراتژی انرژی که سازمان‌های محدودی (هفت خواهران نفتی) در این عرصه از حداکثر توان مالی برخوردارند؛ لذا درک این واقعیت‌ها، مستلزم آگاهی کامل از شرایط موجود با تاثیرات گسترده ژئوپلیتیک آن است که از جمله آنها، می‌توان به مسائل دریای خزر و به‌ویژه موضوع برداشت از منابع انرژی آن اشاره نمود. بر این اساس، با طرح عبارت ژئواکونومی به‌عنوان یک مفهوم غالب در قرن ۲۱، کشور ایران در حیطه جغرافیایی و تحت کارکرد آن قرار گرفته است؛ زیرا حدود جغرافیایی حوزه‌های خزر و خلیج فارس که از آن با نام هارتلند جهان معاصر یاد می‌شود، با محوریت ایران شکل گرفته است (جفری کمپ، ۱۳۸۳: ۸۲).

برای درک واقعیت‌های یک استراتژی مبتنی بر ژئوپلیتیک باید به سه عامل زیر

توجه شود:

۱- صحنه بازی که این صحنه در جهان کنونی متمرکز بر قاره آسیا و شامل جنوب غرب، جنوب، جنوب شرق و شرق آن است.

۲- بازیگران که عبارت از همان اعضای باشگاه صنعتی جهان هستند و در صورت درک شرایط بین‌المللی، برخی از کشورهای صحنه بازی نیز می‌توانند بازیگر اصلی هم باشند.

۳- فرمول یا نوع بازی که دیگر همانند قرن بیستم بر اساس اهداف استراتژی‌های نظامی نبوده؛ بلکه بر محور نگرش‌های ژئواکونومیک خواهد بود. چهارچوب استراتژی ژئوپلیتیک ایران در قالب چهار واقعیت تبیین می‌شود: واقعیت اول، همان علایق حاکمیت است که از عدم هماهنگی مؤثر با ژئوپلیتیک اسلام برخوردار بوده و این به‌عنوان آغاز یک مشکل اساسی، بیانگر عدم وحدت جهان اسلام در درون کشورهای اسلامی است. با این

شرایط، مسأله مهم اینجاست که استراتژی ژئوپلیتیک ایران در نخستین گام خود برای باز شدن ژئوپلیتیک با مشکل روبه‌رو می‌شود. واقعیت‌های دیگر این چهارچوب اعم از تهدیدها، ابزار و توجیحات مقابله با تهدیدهاست. لذا با توجه به تهدیدهای سه‌گانه داخلی، مرزی، بین‌المللی و نیز تهدیدهای فاقد مرز و بخصوص با تأکید بر سناریویی که اخیراً ایالات متحده آمریکا با عنوان «بی‌نظمی آینده» برای منطقه طراحی نموده است؛ پیش‌بینی می‌شود که مهم‌ترین عامل تهدید برای ایران، منشاء داخلی با زیربنای اقتصادی داشته باشد. علت این امر، آن است که تفکر ژئواکونومی و اهداف آن، امروزه در مقیاس‌های گوناگونی اعم از محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی از حالت بالقوه به فعلیت رسیده و این بهترین و مؤثرترین توجیهی است که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند برای مقابله با تهدیدها از آن، جهت تدوین استراتژی ژئوپلیتیک بهره‌برداری نماید؛ زیرا ژئواکونومی که امروزه از داخل کشورها آغاز شده است، هدفش دستکاری در اهداف اقتصادی برای نیل به اهداف استراتژیک است (رشنو، ۱۳۸۸).

پیشینه برجام

فعالیت‌های هسته‌ای ایران در دوران پهلوی دوم و از اواخر دهه ۵۰ میلادی با همکاری ایالات متحده، به‌عنوان بخشی از برنامه «اتم برای صلح» آیزنهاور، رئیس‌جمهور ایالات متحده آغاز شد (Jahanpour, 2007). با شروع فعالیت‌های هسته‌ای ایران، محمدرضا شاه پهلوی برنامه‌های بلندپروازانه‌ای را برای توسعه و گسترش برنامه هسته‌ای ایران در نظر گرفت: او در نظر داشت حدود ۱۰ تا ۲۰ رآکتور هسته‌ای را برای تولید ۲۰ هزار مگابایت برق هسته‌ای تا سال ۱۹۹۴ راه‌اندازی کند. فعالیت‌های هسته‌ای ایران و همکاری‌های هسته‌ای حکومت پهلوی با ایالات متحده و اروپایی‌ها ادامه داشت و به‌خوبی پیش می‌رفت تا اینکه با

تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام/ ۳۷

وقوع انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹، همه فعالیت‌ها و برنامه‌های هسته‌ای ایران متوقف شد (Kibaroglu, 2007: 225-233).

متعاقب پیروزی انقلاب و فسخ یک‌طرفه قراردادهای تأسیس نیروگاه‌های اتمی از سوی شرکای غربی، تا اواسط دهه ۱۹۸۰ نظام نوپای ایران به کوشش‌های علمی بسیاری برای دستیابی به انرژی هسته‌ای غیرنظامی دست زد و همچنین، موافقت‌نامه‌های بلندمدت همکاری با پاکستان و چین را به امضا رساند (Shanoon, 2005: 2-3)؛ اما با آغاز جنگ تحمیلی، فعالیت‌های هسته‌ای ایران به دلیل شرایط جنگی حاکم بر کشور تقریباً به‌طور کامل متوقف شد.

پس از پایان جنگ تحمیلی، ایران خواستار تکمیل نیروگاه بوشهر توسط شرکت پیمانکار آلمانی شد، که البته این درخواست با مخالفت آلمان روبه‌رو شد و به نتیجه نرسید. در سال ۱۹۹۵ روسیه در چارچوب موافقت‌نامه ۱۹۹۲ خود با ایران با موضوع همکاری کامل هسته‌ای، تعهد به بازدهی رساندن نیروگاه بوشهر را پذیرفت (Hunter, 2010: 64). در سال ۱۹۹۵ و متعاقب موافقت‌نامه مذکور، دولت وقت ایران یک قرارداد ۸۰۰ میلیون دلاری با وزارت انرژی روسیه برای تکمیل پروژه رآکتور آب سبک در بوشهر به امضا رساند. به‌رغم مخالفت‌ها و کوشش‌های طولانی ایالات متحده آمریکا برای فسخ این توافق، در ۲۷ فوریه ۲۰۰۵ قراردادی در زمینه عرضه سوخت هسته‌ای میان ایران و روسیه به امضا رسید (Shanoon, 2005: 2-3).

در دولت هشتم (۱۳۸۴ - ۱۳۷۶) برای نخستین بار در آگوست ۲۰۰۳، فرانسه، آلمان و انگلیس خواستار تصویب و پیاده‌سازی پروتکل ۲+۹۳، پروتکل‌های الحاقی و نیز متوقف کردن فعالیت‌های غنی‌سازی ایران شدند. آنان در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۳ رسماً اعلام کردند که برخی از جنبه‌های برنامه هسته‌ای ایران موجب افزایش نگرانی‌های جدی شده است (Hunter, 2010: 89-90).

به دنبال ناکامی در نتایج سعدآباد و موکول شدن موضوع به توافقنامه بروکسل که طی آن از ایران خواسته شد در ازای بسته شدن پرونده، ساخت و مونتاژ قطعات سانتریفیوژ را به صورت تعلیق درآورد، درکنار کشف آلودگی‌های هسته‌ای در برخی تأسیسات ایران و همچنین، انتشار گزارش آژانس مبنی بر کاسته شدن از حجم گاز هگزافلوراید ایران همه‌وهمه موجب شد تا طرفین بار دیگر در ۱۵ آبان ۱۳۸۳ برای حل و فصل موضوع‌های باقی مانده در قالب توافق پاریس، اولاً بر دستاوردهای توافق سعدآباد تأکید کنند و از آن گذشته ایران دامنه تعلیق را به تمام فعالیت‌های هسته‌ای خود تسری دهد؛ اما این اقدام هم راه به جایی نبرد و اروپا با درخواست تعلیق مذاکرات تا پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران عملاً حصول توافق را ناممکن ساخت و در نهایت، طرح خود را در ۱۴ مرداد ۱۳۸۴ به مقامات ایرانی تحویل داد که در دولت احمدی نژاد پذیرفته نشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۵۰۴).

با انتخاب محمود احمدی نژاد به ریاست جمهوری در تیر ۱۳۸۴ درکنار سلسله اقداماتی نظیر راه اندازی مجدد مجتمع UCF اصفهان از سوی دولت هشتم در ماه‌های پایانی و همچنین، به علت شرایط متشنج حاکم بر پرونده هسته‌ای ایران، موضوع هسته‌ای خط قرمز دولت و شورای عالی امنیت ملی قلمداد شد (غریب آبادی، ۱۳۸۸: ۱۲۳) و بر همین اساس بود که با وجود تحریم‌های مختلف از سوی گروه ۵+۱، ایران روند هسته‌ای شدن خود را با جدیت بیش‌تر ادامه داد. نتیجه به‌هیچ روی چیزی نبود که ایران خواهان آن باشد: شورای حکام در دی ۱۳۸۴، ۱۰ قطعنامه، ۱۶ گزارش مدیرکل و سایر بیانیه‌های صادره در اجلاس مارس را به شورای امنیت ارسال نمود و نهایتاً نخستین قطعنامه شورای امنیت علیه برنامه هسته‌ای ایران؛ یعنی قطعنامه ۱۶۹۶ به تصویب اعضا رسید و بر اساس آن، فعالیت هسته‌ای ایران ذیل فصل هفتم منشور و مشخصاً ماده ۴۱ منشور ملل متحد قرار گرفت (فلاحی، ۱۳۸۶: ۹۸).

تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام/ ۳۹

متعاقب ارجاع موضوع برنامه هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶، شورای امنیت طی ۴ سال، اقدام به صدور ۶ قطعنامه تحریمی علیه ایران نمود که در آنها ایران مکلف به تعلیق برنامه هسته‌ای خود شامل چرخه غنی‌سازی، تحقیق و توسعه، رآکتور اراک و سایر برنامه‌های مرتبط شده بود. در این قطعنامه‌ها که با استناد به ماده ۴۱ از فصل هفتم منشور ملل متحد تصویب شد، طیف گسترده‌ای از تحریم‌ها و محدودیت‌های مالی، بانکی، اقتصادی، حمل‌ونقل و بیمه‌ای علیه ایران اعمال گردید. با روی کار آمدن دولت یازدهم و ۲۳ ماه مذاکره مداوم با نمایندگان ارشد ۱+۵ و به دنبال دو توافق موقت وین و لوزان، نهایتاً جمهوری اسلامی ایران در تیرماه ۱۳۹۴ به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) دست یافت (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۴: ۳۸).

تدوین استراتژی‌ها

الف) تعیین وزن IFE^{۱۲} (ضعف‌ها، قوت‌ها) و EFE^{۱۳} (فرصت‌ها و تهدیدها)
بر اساس نظر خبرگان، وزن عوامل داخلی (ضعف‌ها و قوت‌ها) به شرح زیر است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

-
12. internal factors evolution
 13. external factors evolution

جدول ۱: ماتریس ارزیابی عوامل داخلی

توضیحات	امتیاز وزن دار	امتیاز وضع موجود	وزن (اهمیت)	شاخص‌ها	
	۰,۱۵	۲,۶۷	%۵,۶	کنترل نقدینگی و کاهش تورم	۱) ۳-۹
	۰,۰۹	۱,۹۶	%۴,۴	کاهش نرخ سود سپرده و تسهیلات	
	۰,۲۰	۳,۰۶	%۶,۴	افزایش تولید نفت، گاز و پتروشیمی	
	۰,۱۷	۲,۷۷	%۶,۰	بهبود روابط دولت - ملت	
	۰,۱۵	۲,۷۳	%۵,۵	کمک به فرایند امنیت‌زدایی از جامعه	
	۰,۱۵	۲,۶۰	%۵,۸	افزایش نشاط و امید سیاسی	
	۰,۱۷	۲,۷۵	%۶,۲	جایگزینی دیپلماسی به‌جای تهدید و زور	
	۰,۱۶	۲,۹۰	%۵,۶	بسته شدن موضوع PMD	
	۰,۱۳	۲,۴۶	%۵,۴	رفع سایه جنگ	
	۰,۱۳	۲,۲۳	%۵,۶	رفع تحریم‌ها و شتاب حرکت اقتصادی ایران	
	۰,۱۵	۲,۵۴	%۵,۷	افزایش قدرت نرم ایران	
۱,۸۰	۰,۱۶	۲,۸۱	%۵,۸	افزایش اعتماد به نفس در دستگاه سیاست خارجی	
	-۰,۱۶	۲,۸۱	%۵,۹	عدم انسجام استراتژیک و دوقطبی شدن محیط سیاسی	۲) ۳-۹
	-۰,۱۳	۲,۴۸	%۵,۳	عدم استفاده بموقع از فرصت‌های به‌وجود آمده	
	-۰,۱۲	۲,۳۱	%۵,۰	هدر رفتن میلیاردها دلار سرمایه ایران	
	-۰,۱۱	۲,۳۴	%۴,۸	فرصت‌سوزی ایران در زمان دموکرات‌ها	
	-۰,۱۴	۲,۵۳	%۵,۷	عدم وحدت رویه در سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی ایران	
-۰,۷۸	-۰,۱۱	۲,۱۳	%۵,۲	متفاوت بودن سیاست‌های اعلامی و اعمالی ایران در منطقه و جهان	
	۱,۰۲		%۱,۰۰	مجموع (نمره نهایی)	

تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام/ ۴۱

وزن عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) به شرح زیر است:

توضیحات	امتیاز وزن‌دار	امتیاز وضع موجود	وزن (اهمیت)	عوامل خارجی	
	۰,۰۷	۳,۳	٪۲,۱	خروج ایران از چهارچوب مقررات فصل هفتم منشور سازمان ملل	فرصت‌ها
	۰,۰۶	۳,۱	٪۲,۰	اثبات حقانیت و مشروعیت بین‌المللی برنامه هسته‌ای	
	۰,۰۴	۲,۴	٪۱,۸	کاهش فشارها و تحریم‌های بین‌المللی	
	۰,۰۵	۲,۶	٪۱,۸	تقویت چندانجه‌گرایی ایران	
	۰,۰۳	۲,۱	٪۱,۵	تقویت نظام عدم اشاعه هسته‌ای و جلوگیری از رقابت بین بازیگران منطقه‌ای	
	۰,۰۴	۲,۴	٪۱,۸	اتصال مجدد به سوئیفت و امکان گشایش اعتباری	
	۰,۰۵	۲,۷	٪۱,۹	لغو تحریم‌های شورای امنیت و اتحادیه اروپا مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای	
	۰,۰۳	۲,۰	٪۱,۵	پیوستن به نظام پرداخت یورو	
	۰,۰۵	۲,۸	٪۱,۸	برقراری مجدد بیمه کشتی‌های تجاری و نفتی	
	۰,۰۴	۲,۴	٪۱,۷	ورود شرکت‌های بزرگ بیمه‌ای به ایران	
	۰,۰۴	۲,۱	٪۱,۷	شروع به کار مجدد شعب بانک‌های ایران در خارج	
	۰,۰۴	۲,۳	٪۱,۸	آزاد شدن حساب‌های بانک مرکزی در کشورهای خارج	
	۰,۰۴	۲,۱	٪۱,۷	ایجاد روابط کارگزاری بانکی	
	۰,۰۵	۲,۶	٪۱,۹	گسترش و تسهیل روابط تجاری با کشورها	
	۰,۰۳	۱,۹	٪۱,۷	تسهیل عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی	
	۰,۰۴	۲,۱	٪۱,۸	گسترش بازارهای صادراتی	
	۰,۰۳	۲,۰	٪۱,۷	تأسیس دفاتر تجاری کشورهای اروپایی در ایران	
	۰,۰۵	۲,۳	٪۲,۰	جذب سرمایه‌گذاری خارجی	
	۰,۰۳	۲,۰	٪۱,۷	الزام دولت‌های پیشرفته به همکاری با ایران در زمینه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای	
	۰,۰۳	۲,۰	٪۱,۷	تسهیل و تسریع همکاری‌های بین‌المللی در زمینه	

				تحقیق و توسعه هسته‌ای
	۰,۰۴	۲,۴	٪۱,۷	رفع موانع و تسهیل همکاری فنی ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی
	۰,۰۴	۲,۵	٪۱,۷	تسهیل و توسعه همکاری‌های علمی و فنی آژانس با ایران
	۰,۰۴	۲,۴	٪۱,۷	توسعه همکاری‌های بین‌المللی در زمینه انرژی اتمی
	۰,۰۳	۱,۸	٪۱,۵	تقویت همکاری نظامی با سایر کشورها
	۰,۰۴	۲,۳	٪۱,۶	تقویت محور مبارزه با تروریسم
	۰,۰۵	۲,۶	٪۱,۹	تضعیف پروژه ایران هراسی
	۰,۰۴	۲,۴	٪۱,۹	افزایش مشارکت ایران در نظم ژئوپلیتیک منطقه
	۰,۰۳	۱,۸	٪۱,۷	غیرامنیتی شدن فضای منطقه‌ای و بین‌المللی
	۰,۰۳	۱,۸	٪۱,۷	تقویت ثبات و نظم منطقه‌ای
	۰,۰۴	۲,۲	٪۱,۷	کاهش وزن استراتژیک گروه‌های تروریستی
	۰,۰۴	۲,۳	٪۱,۸	تغییر شکاف بین بازیگران منطقه‌ای به نفع ایران
	۰,۰۴	۲,۳	٪۱,۶	تقویت محور مقاومت
	۰,۰۳	۲,۱	٪۱,۶	تسهیل عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای
	۰,۰۴	۲,۲	٪۱,۷	تغییر توازن قدرت منطقه‌ای به نفع ایران
	۰,۰۴	۲,۴	٪۱,۷	شکسته شدن بن‌بست استراتژیک ایران
	۰,۰۴	۲,۵	٪۱,۸	قرارگرفتن ایران در مسیر غیرامنیتی و ارائه تصویری مثبت از ایران در منطقه
	۰,۰۵	۲,۶	٪۱,۸	ارتقای ظرفیت دیپلماسی ایران برای تعقیب منافع ملی در منطقه و جهان
	۰,۰۵	۲,۵	٪۱,۸	کاهش زمینه سوءاستفاده دشمنان ایران از تنش در روابط ایران و غرب
	۰,۰۴	۲,۴	٪۱,۸	ایجاد شکاف در کشورهای غربی و به وجود آمدن یک قطب همسو برای ایران
	۰,۰۴	۲,۵	٪۱,۷	جلوگیری از پروژه حذف رسمی و غیررسمی ایران از ژئوپلیتیک منطقه
	۰,۰۵	۲,۶	٪۱,۸	بازگشت آرام ایران به جامعه بین‌الملل
	۰,۰۵	۲,۸	٪۱,۸	تقویت جایگاه ایران در معادلات اوپک نفتی و گازی

تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام/ ۴۳

			۱,۹٪	۳,۲	۰,۰۶	افزایش صادرات نفت، گاز و پتروشیمی
			۱,۵٪	۱,۹	۰,۰۳	مدرن سازی رآکتور آب سنگین اراک
			۱,۸٪	۲,۸	۰,۰۵	تثبیت اعمال حق ایران درزمینه غنی سازی هسته‌ای صلح آمیز
			۱,۷٪	۲,۴	۰,۰۴	تثبیت حقوق ایران در تولید آب سنگین و مبادله تجاری آن
			۱,۶٪	۲,۱	۰,۰۳	رفع موانع خرید و فروش اورانیوم
			۱,۹٪	۳,۱	-۰,۰۶	اتلاف عربستان و اسرائیل
			۱,۹٪	۳,۲	-۰,۰۶	افزایش تنش‌ها با عربستان و برخی کشورهای منطقه
			۱,۸٪	۲,۸	-۰,۰۵	عدم برداشت و تصور صحیح دولتمردان آمریکایی از ایران
			۱,۸٪	۳,۰	-۰,۰۵	ارتباط دهی برجام با برنامه موشکی
			۱,۵٪	۲,۳	-۰,۰۳	آرامش خاطر دررقبای منطقه‌ای به سبب کانالیزه شدن فعالیت‌های هسته‌ای ایران
			۱,۴٪	۲,۰	-۰,۰۳	زمینه سازی برای گام برداشتن در شکل گیری برجام ۳، ۲ و ... در نتیجه کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران
			۱,۴٪	۲,۰	-۰,۰۳	نگرانی از احتمال رخنه و نفوذ در پرتو برجام
			۱,۶٪	۲,۲	-۰,۰۳	جاسوسی از برنامه‌های نظامی ایران به بهانه بازرسی هسته‌ای
			۱,۴٪	۲,۰	-۰,۰۳	القای عقب نشینی و سازش ایران در مقابل غرب
			۱,۴٪	۲,۲	-۰,۰۳	افزایش قدرت چانه زنی رقبای منطقه‌ای و جهانی ایران
			۱,۸٪	۲,۸	-۰,۰۵	فشار ایران بر سایر حوزه‌ها(موشکی، حقوق بشر و...)
			۱۰۰٪	۱,۴۹		مجموع (نمره نهایی)

تهدیدها

بر اساس محاسبات صورت گرفته، مجموع امتیاز وزن دار نقاط قوت برابر ۱,۸ و مجموع امتیاز وزن دار نقاط ضعف برابر ۰,۷۸- به دست آمده که برای تعیین موقعیت حال

حاضر بر روی محور عمودی (نقاط قوت و ضعف) این دو مقدار با یکدیگر جمع می‌گردند که عدد حاصل برابر ۱,۰۲ است.

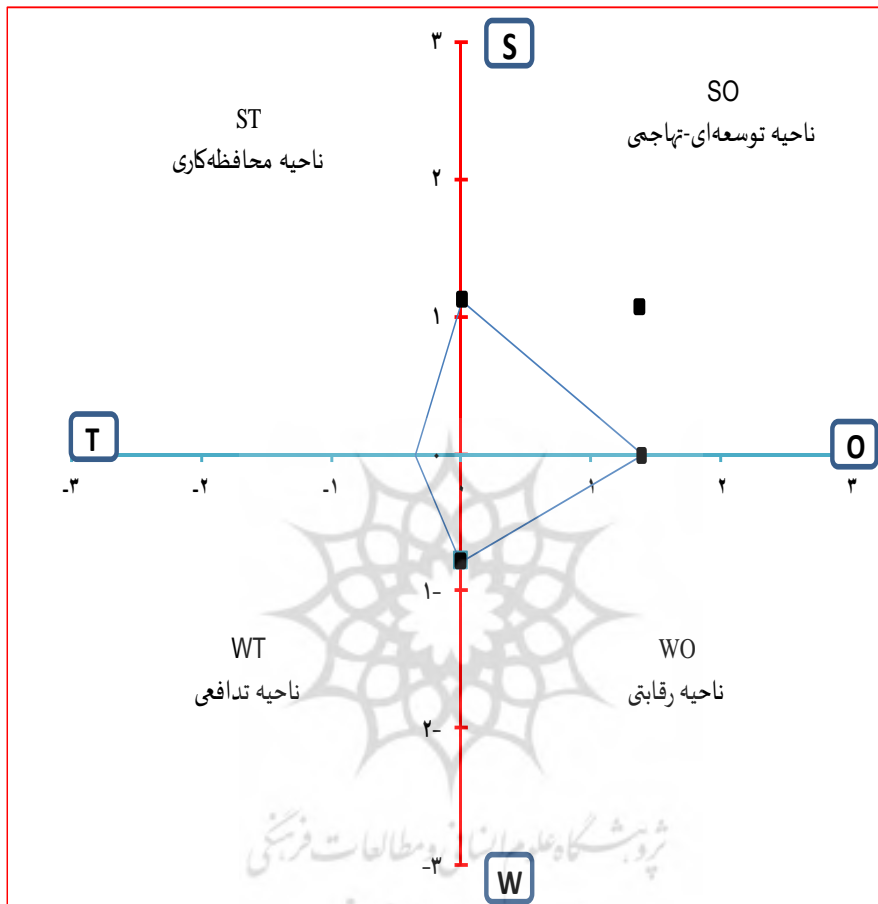
$$1/02 = (-/78) + 1/80 \text{ موقعیت بر روی محور عمود (قوت‌ها و ضعف‌ها)}$$

مجموع امتیاز وزن‌دار فرصت‌ها برابر ۱,۹۵ و مجموع امتیاز وزن‌دار تهدیدها برابر ۰,۴۶- به دست آمده که برای تعیین موقعیت حال حاضر بر روی محور فرصت‌ها و تهدیدها، این دو مقدار با یکدیگر جمع می‌شوند که عدد حاصل برابر ۱,۴۹ است.

$$1/49 = 1/95 + (-/46) \text{ موقعیت بر روی محور افقی (فرصت‌ها و تهدیدها)}$$

ب) تعیین موقعیت و اقدام استراتژیک (space): بنا بر محاسبات انجام شده بر اساس داده‌ها، نمودار موقعیت استراتژیک جمهوری اسلامی ایران پس از برجام به شرح زیر تعیین می‌گردد. جمع جبری میانگین‌های امتیاز قوت‌ها و ضعف‌ها، موقعیت را روی محور SW تعیین می‌کند که پس از جمع جبری، عدد ۱/۰۲ به دست می‌آید.

جمع جبری میانگین امتیاز فرصت‌ها و تهدیدها موقعیت را روی محور OT تعیین می‌کند که پس از جمع جبری عدد ۱/۴۹ به دست می‌آید.



ارزیابی موقعیت استراتژیک ایران پس از برجام

میانگین قوت‌ها و ضعف‌ها (عوامل داخلی) از حد متوسط بالاتر و برتری با نقاط قوت است. درمقابل، میانگین فرصت‌ها و تهدیدها از حد متوسط بالاتر است که نشان‌دهنده وجود فرصت‌های بیشتر و مؤثرتر نسبت به تهدیدات است. نتیجه اینکه، واقع شدن نقطه P در ماتریس space ناحیه SO یا ناحیه توسعه‌ای-تهاجمی را نشان می‌دهد که باید استراتژی‌های متناسب با ناحیه را پیشنهاد داد.

ج) ارائه استراتژی‌های ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران پس از برجام: با توجه به واقع شدن موقعیت ایران در ناحیه توسعه‌ای- تهاجمی و با استفاده از ظرفیت‌های داخلی و فرصت‌های به‌وجود آمده در محیط پیرامونی، جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به اهداف و منافع ملی و ارتقای وزن ژئوپلیتیک خود باید استراتژی‌های ژئوپلیتیک خود را به شرح زیر تدوین و اعمال نماید:

۱- تعیین کد ژئوپلیتیک با استفاده از مقدرات ملی و حوزه پیرامونی جمهوری اسلامی ایران: ایران، باید از فرصت‌های به‌وجود آمده و با توجه به ظرفیت‌های داخلی و حوزه پیرامونی، کد ژئوپلیتیک خود را تعیین کند. طبیعی است که کد ایران نمی‌تواند یک کد داخلی و محلی باشد؛ یعنی به حوزه منطقه‌ای خود توجهی نداشته و صرفاً به مسائل داخلی بپردازد. حوادث بی‌شمار منطقه‌ای که امنیت و توسعه ایران با آن گره خورده، اجازه نمی‌دهد که ایران چنین کدی را انتخاب کند. همچنانکه نمی‌تواند کدی جهانی و بین‌المللی داشته باشد و خود را قدرت جهانی بداند. حداقل در شرایط فعلی، چنین ظرفیتی در خود نمی‌بیند. با توجه به سابقه تمدنی ایران، وسعت کشور، جمعیت مناسب، منابع قابل توجه، قرار گرفتن در یک منطقه استراتژیک، حوزه نفوذ پیرامونی، همسایه‌های متعدد، نزدیکی به بازارهای مصرف انرژی و ... باید کدی منطقه‌ای داشته باشد که اتفاقاً در برنامه چشم‌اندازی که قبلاً نیز تدوین شده، با چنین رویکردی به جمهوری اسلامی ایران نگریسته شده است.

۲- ارتقای سطح معیشت جامعه ایران به منظور تحکیم و تقویت بنیادهای قدرت ملی: برجام علاوه بر آزاد نمودن ایران از فضای تحریم‌های اقتصادی و انزوای سیاسی، برای جمهوری اسلامی ایران جهت تقویت بنیادهای قدرت خود فضایی فراهم آورده که می‌تواند به رفع ضعف‌ها و کاستی‌های موجود و تحکیم پایه‌های قدرت ملی منجر شود. مهم‌ترین اهرم ایران در مقابل رقبا و مخالفان منطقه‌ای و بین‌المللی، راضی بودن و امیدوار بودن مردم ایران از زندگی است. مهم‌ترین پایه امنیت ملی ایران، راضی بودن مردم است که با تداوم کنترل

نقدینگی و کاهش تورم به وجود آمده پس از برجام، فرصت‌های بیش‌تری را برای تحکیم بنیادهای قدرت ملی ایران فراهم نموده است.

۳- ارتقای توان دیپلماتیک و تداوم بازی برد - برد در جهت حل و فصل مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی: تجربه برجام نشان داد جمهوری اسلامی ایران از توان دیپلماتیک بسیار خوبی برخوردار است و برای تأمین منافع و امنیت ملی می‌تواند با اعتماد به نفس بالا در موضوع‌های گوناگون با قدرت‌های بزرگ جهان وارد مذاکره و تعامل متوازن شود. این تعامل متوازن نیازمند بازانندیشی در نگرش و رویکرد خود به نظام بین‌الملل است. قواعد بازی در نظام بین‌الملل تا حدود بسیار زیادی تغییر کرده و بازی برد-باخت تقریباً دیگر امکان‌پذیر نیست.

دولتمردان جمهوری اسلامی ایران باید این نکته را مد نظر داشته باشند که اگر قرار باشد منابع و ظرفیت‌های باقی‌مانده کشور پس از رهایی از مسأله هسته‌ای، در مسیرهای بحران دیگری درگیر شود، ممکن است مملکت کشش لازم را نداشته باشد و با تهدیدها و خطرهای جدی روبه‌رو شود. وقتی مذاکره و مصالحه توانسته به یکی از مهم‌ترین مسائل کشور پایان دهد، در صورت امکان، چرا نباید در دیگر حوزه‌هایی که کشورمان با مشکل روبه‌روست، از چنین ظرفیتی استفاده کرد؟ چرا نباید از چنین ظرفیتی به‌جای مسیرهای پرهزینه بهره برد؟

۴- ایجاد توازن بین توانایی‌های ملی و میزان تعهدات منطقه‌ای برای تقویت پرستیژ ملی و منطقه‌ای: به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران باید بیش‌تر در مورد میزان تعهداتی که در مسائل منطقه می‌پذیرد مراقب باشد؛ چون با توجه به تجارب موجود، ممکن است برخی هزینه‌هایی که در منطقه صرف می‌شود، بازدهی لازم را نداشته باشد و این در بلندمدت برای کشور مشکل ایجاد کند. به‌هرحال، لازم است میان توانایی‌های ملی و میزان تعهدات، توازن وجود داشته باشد. تاریخ نشان داده است که نادیده گرفتن این مسأله، می‌تواند هزینه‌های گزافی داشته باشد. سرنوشت شوروی نمونه بارزی در این مورد است.

۵- تقویت دیپلماسی اقتصادی متناسب با موقعیت ژئوپلیتیک ایران به منظور تأثیرگذاری بر تحولات ژئواکونومیک منطقه‌ای و جهانی: وضعیت اقتصادی داخلی و جایگاه اقتصادی کشور در جهان، به هیچ وجه با توانایی‌های بالقوه و بالفعل جامعه ایرانی همخوانی ندارد. از جمله اقداماتی که باید پس از برجام تقویت شود، دیپلماسی اقتصادی است. لزوم دیپلماسی قوی اقتصادی متناسب با ملزومات هزاره سوم، ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

برخی اعتقاد دارند که سیاست بین‌الملل مبتنی بر ژئوپلیتیک به تدریج جای خود را به ژئواکونومیک داده است. در فرایند جهانی شدن، اقتصاد محوریت دارد و با وابستگی متقابل روزافزون اقتصادی، ارتباط بازارهای مالی، جریان آزاد سرمایه و پول، قدرت‌گیری شرکت‌های چندملیتی و تأثیر روزافزون نهادهای اقتصاد بین‌الملل، وضعیتی شکل گرفته که اقتصاد به اولویت اول در سلسله مراتب اهداف ملی تبدیل شده است.

در گردش روابط اقتصادی با دیگر کشورهای جهان، هماهنگی میان دستگاه‌های سیاسی و اقتصادی بسیار تأثیرگذار است. وزارت امور خارجه، امور اقتصادی و دارایی، نفت، صنایع، بازرگانی، کشور و نهادهای اقتصادی کشور، همگی باید دارای هماهنگی و برنامه‌های منسجم و مرتبطی در زمینه روابط اقتصادی خارجی با دیگر کشورها و سرمایه‌گذاران خارجی باشند و نقش جدید وزارت خارجه به‌عنوان هماهنگ‌کننده دستگاه‌های مذکور فعال‌تر شود.

ایران باید ارتباط گسترده و شایسته‌ای با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی اقتصادی سازمان تجارت جهانی، آنکتاد، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که وظیفه مدیریت، تعادل‌بخشی، کنترل و تسهیل اقتصاد بین‌الملل و ادامه رشد اقتصاد جهانی و انتفاع تمامی کشورها را برعهده دارند، داشته باشد. در طول سالیان گذشته، روابط بین نهادها و بانک‌های بین‌المللی، قانون‌مدارتر و با پیچیدگی‌های بسیاری همراه بوده است. آنچه در شرایط گذر از تحریم برای سیستم کشور ضرورت دارد، اعتمادسازی و هماهنگ‌سازی خود با قوانین

بین‌الملل است. هرچه میزان ارتباط ایران با بانک‌ها، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی افزایش یابد، استفاده از تسهیلات و امکانات این نهادها، می‌تواند چهره بهتری برای اقتصاد کشور ایجاد کند.

ایران با تقویت دیپلماسی اقتصادی باید بتواند سرمایه‌گذاران خارجی را برای سرمایه‌گذاری در ایران اقناع کند. دیپلماسی خارجی باید بتواند با پررنگ کردن فرصت‌های ایران چون ژئوپلیتیک منحصربه‌فرد، منابع نامحدود خداداد، نیروی کار ارزان و ماهر، بازار پرجمعیت داخلی و بازارهای پرجمعیت و پرمصرف در نواحی مجاور، سرمایه‌گذاران خارجی را برای حضور در ایران ترغیب کند.

۶- سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های نفت و گاز برای ارتقای موقعیت ایران در معادلات انرژی منطقه‌ای و جهان: جلب و توسعه سرمایه‌گذاری خارجی و استقرار آن در قلمرو جغرافیایی کشورها، علاوه بر توسعه، زمینه‌ساز امنیت ملی آنهاست؛ زیرا به‌هنگام خطر و تهدید، دولت‌های سرمایه‌گذار برای حفاظت از سرمایه‌های اتباع خود در کشور مورد هدف تهدید، وارد عمل می‌شوند و به‌عنوان نیروی بازدارنده در فرایندهای سیاسی، بین‌المللی و حتی عملیاتی اقدام می‌کنند.

ایران به‌دلیل پیامدهای هشت سال چالش‌خشن و تحریم اقتصادی، به‌شدت به‌بازسازی اقتصادی و ساماندهی روند توسعه و فراگیر ملی خود نیازمند است. این نیاز، تجدید و توسعه روابط با کشورهای قدرتمند جهان و تبادل ظرفیت‌های اقتصادی و تکنولوژیک را ضروری می‌داند. یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر امنیت ملی ایران، منابع نفت و گاز است. در بازار جهانی انرژی، ایران از دو نظر در کانون توجه و مرکز تعاملات بین‌المللی قرار دارد: اول موقعیت ژئوپلیتیک کشور و قرار گرفتن در کانون بیضی انرژی جهان؛ دوم، نقش حیاتی در امنیت جهانی انرژی. داشتن نقش اساسی در تأمین انرژی جهانی، ضامن درآمدهای کافی برای توسعه کشور بوده، امنیت ملی کشور را نیز تضمین

خواهد کرد. صنایع نفت و گاز ایران نیازمند سرمایه‌گذاری در بخش‌های قبلی و حوزه‌های جدید است که هر کدام به میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری خارجی نیاز دارد.

۷- چندجانبه‌گرایی و ایجاد روابط متوازن و گسترده با همه کشورها و کنشگران بین‌المللی به منظور افزایش دستاوردها و کاهش هزینه‌ها: شرق‌گرایی و غرب‌گرایی یا تمایل به شرق یا غرب، و یا تجارتي که در این مورد وجود دارد، نتایج چندانی برای کشورمان دربر نداشته است، بنابراین، بهتر است به رابطه‌ای متوازن با کشورهای مختلف (البته، با رعایت ملاحظات کلان سیاست خارجی) فکر شود. شرق و غرب سیاسی دیگر معنا ندارد و واقعیت این است که بخش‌های مختلف جهان از جنبه‌های مختلف برای جمهوری اسلامی ایران مهم هستند و ارتباط سازنده با هر بخشی یا کشوری، می‌تواند منافع مشخصی را در پی داشته باشد. تأمین کم‌هزینه نیازها و منافع جمهوری اسلامی ایران در گرو روابط متوازن و گسترده با همه کشورها و کنشگران بین‌المللی است. پیوند با یکی و گسست از دیگری در روابط بین‌الملل به معنای افزایش هزینه‌ها و کاهش دستاوردهاست.

۸- تداوم سیاست مدارا و همکاری با ترکیه به منظور مرتفع نمودن موانع و مشکلات منطقه‌ای: ترکیه به‌عنوان یکی از بازیگران قدرتمند سیاسی و نظامی و تأثیرگذار خاورمیانه، به‌دنبال بهره‌برداری حداکثری از برجام است. ترکیه و ایران در مواردی از مسائل منطقه مانند درگیری‌های سوریه و عراق دچار اختلاف نظر هستند؛ لیکن با تمام این اوصاف درنهایت برای یکدیگر به‌عنوان دو کشور دوست محسوب شده و برای حل مسائل مستقیم‌شان چشم به گزینه‌های دیپلماتیک و برای حل مسالمت‌آمیز و به‌دور از افراطی‌گری به کمک یکدیگر نیازمندند. در بعد اقتصادی نیز عادی‌سازی مرادات اقتصادی ایران و اتحادیه اروپا نیز مسبب شرایط اقتصادی ویژه‌ای برای ترکیه خواهد بود؛ شرایطی که در وهله اول به دلیل شرایط جغرافیایی و در وهله دوم به علت مرادات دیپلماتیک میان ترکیه و اتحادیه اروپاست.

تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام/ ۵۱

ترکیه همچنین میزبان خطوط انتقال گاز نوباکو و پارس است که وظیفه انتقال گاز ایران از منابع پارس جنوبی و دریای کاسپین به اروپا را به عهده دارد. عادی سازی مرادات ایران و اروپا به معنای انتقال بیش تر گاز و به تبع آن، حق ترازیت برای ترکیه خواهد بود. ترکیه کشوری است که از قدرت نظامی و اقتصادی بالایی در منطقه برخوردار است و ایران همکاری گسترده‌ای با آن دارد و می‌تواند بسیاری از مشکلات ایران را حل کند. ایران نسبت به ترکیه باید سیاست مدارا را در پیش گیرد و ضمن حفظ اقتدار خود، عجله‌ای در واکنش به اقدامات ترکیه از خود نشان ندهد. اگر ایران با ترکیه دچار تنش شود، مخالفان ایران در آذربایجان و مخالفان ترکیه (پ. ک. ک) تقویت می‌شوند و این باعث افزایش وزن ژئوپلیتیک پ. ک. ک و به خطر افتادن حاکمیت سرزمین ایران و ترکیه خواهد شد. ایران باید با گفتگو و بالا بردن حجم معاملات اقتصادی از ترکیه امتیازات بیش تری بگیرد و به ترکیه اطمینان دهد که منافعش در سوریه و عراق محفوظ است و با ماندن اسد در منافع آنها خللی ایجاد نمی‌شود.

۹- پیوند نیازهای هند به فضا و انرژی ایران برای ارتقای وزن ژئوپلیتیک: وابسته کردن دیگران به فضای کشور، موجب امنیت، قدرت، منزلت و بهبود وضعیت ژئوپلیتیک کشور در سیستم منطقه‌ای و جهانی می‌شود. کشور وابسته کننده از ابتکار عمل برخوردار می‌شود و قدرت شکل دادن به فرایندهای فی‌مابین را خواهد داشت. ایران سه حوزه بزرگ ذخایر انرژی جهان؛ یعنی خلیج فارس، سیبری غربی و آسیای مرکزی را به هم ارتباط می‌دهد. از جنبه مصرف انرژی نیز، ایران محل انتقال دو حوزه بزرگ مصرف انرژی؛ یعنی هند و چین در شرق و اروپا در غرب واقع شده است. این ویژگی دوگانه باعث شده که امنیت ایران و محیط پیرامونش برای نظام بین‌الملل اهمیتی دوچندان پیدا کند.

هند پنجمین مصرف‌کننده بزرگ انرژی در دنیا است و در آینده به سومین مصرف‌کننده بزرگ انرژی پس از آمریکا و چین مبدل می‌گردد؛ اما این کشور تنها ۴ درصد از ذخایر نفت

اثبات شده دنیا را داراست. بنابراین، رشد مصرف و رشد اقتصاد درکنار رشد ۵ درصدی مصرف گاز طبیعی و وابستگی مدام به نفت وارداتی، باعث شده است تا به خاورمیانه و ایران نگاهی استراتژیک داشته باشد. درواقع، هرچند روابط انرژی دو کشور در سال‌های گذشته تحت تأثیر تحریم و فشار غرب بوده است؛ اما از آنجا که هندوستان همچنان به ایران به‌عنوان منبعی برای تأمین انرژی خود می‌نگرد، دو کشور می‌توانند در راستای تنوع‌سازی بازارهای صادراتی و وارداتی انرژی خود و جلوگیری از وابستگی به چند کشور ویژه، روابط را در زمینه انتقال انرژی؛ از جمله در صنایع گاز و نفت گسترش دهند.

هندوستان و ایران منافع مشترک فراوان منطقه‌ای داشته‌اند. هر دو کشور از اتحاد شمال در برابر طالبان طی سال‌های ۲۰۰۱ - ۱۹۹۶ حمایت کردند. هندوستان به‌عنوان قدرت منطقه‌ای در شبه‌قاره هند، منافع استراتژیک در ثبات امنیت افغانستان دارد و دو کشور نقش مهمی در بازسازی و توسعه افغانستان داشته‌اند. در حوزه آسیای مرکزی نیز منافع مشترکی دارند و درواقع، گسترش بنادر ایران به هندوستان کمک می‌کند تا به بازارهای مصرف کالا و منابع انرژی منطقه دسترسی یابد. همچنین، عضویت دائم هند و عضویت ایران به‌عنوان ششمین عضو ناظر در سارک، عضویت دو کشور در پیمان همکاری شانگهای، عضویت هند در بریکس (برزیل، روسیه، چین، هند و آفریقای جنوبی) جدا از بسترسازی برای دستیابی به بازارهای اقتصادی سارک می‌تواند به ارتقای موقعیت استراتژیک ایران کمک کند. این درحالی است که هند دارای مؤلفه‌های اصلی قدرت؛ یعنی گستردگی، جمعیت و قدرت نظامی بوده و اندیشه تبدیل شدن به قدرتی بزرگ در سطح جهان و کسب حق و تو در شورای امنیت را در سر می‌پروراند و همین امر می‌تواند به ایران در سوق دادن جهان تک قطبی، به جهان چند قطبی کمک کند.

تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام/ ۵۳

هند با برخورداری از منابع کلان طبیعی و انسانی، یک اقتصاد روبه‌رشد و جغرافیایی که در محیط امنیتی و استراتژیک ایران قرار می‌گیرد، یکی از مهم‌ترین گزینه‌ها برای برقراری روابط پایدار و قابل اتکای سیاسی برای ایران به‌شمار می‌آید. با این حال، اکنون با وجود ظرفیت‌های اقتصادی، تجاری و فرهنگی و نیز کوشش‌های دیپلماتیک برای برقراری یک رابطه سیاسی پایدار و قابل اعتماد میان دو کشور (به‌ویژه در ایجاد خط لوله صلح) باید به‌وجود برداشت‌های متفاوت از مشارکت استراتژیک میان ایران و هند اشاره کرد. درحالی‌که هدف ایران از مشارکت با هند در پی برقرار ساختن نوعی موازنه نرم در برابر ایالات متحده بود؛ اما از دید هند مشارکت با ایران بر اساس مجموعه‌ای از دلایل غیر از موازنه‌سازی در برابر آمریکا صورت می‌پذیرفت. پس از برجام و رفع بسیاری از موانع در برقراری ارتباط هند با ایران، نیاز روزافزون هند به انرژی، توسعه چابهار و دسترسی هند به آسیای مرکزی در رقابت با پاکستان و چین، حوزه‌های جدیدی را برای همکاری با ایران فراهم نموده است. هند می‌تواند در زمینه توسعه پرشتاب در زمینه فناوری اطلاعات و داروسازی الگو باشد. بخش خصوصی هند، بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ این کشور می‌توانند فناوری، تسهیلات اعتباری و دانش تخصصی را در اختیار شرکای ایرانی خود قرار دهند و ایران نیز می‌تواند به‌عنوان شریکی ثابت و قابل اعتماد برای کالاها و خدمات هند در آسیای غربی نقش ایفا کند.

در حالی‌که ایران و هند به توسعه همکاری خود در بخش‌های متنوعی ادامه می‌دهند، هر دو کشور باید مراقب باشند روابط کنونی خود را بر اساس متغیرهای موجود بر هم نزنند. روابط با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و اسرائیل برای هند، به آن اندازه مهم است که روابط با پاکستان و چین برای ایران اهمیت دارد.

۱۰- گسترش روابط با شرق دور به‌منظور افزایش گزینه‌های کنش استراتژیک و تأمین امنیت پایدار در قالب پارادایم ژئواکونومی آسیایی: مناقشات قومی- مذهبی، تروریسم، فروپاشی

دولت‌ها، جنگ‌های داخلی و ...، ماهیتی تصاعدی و مسری و تصویری از درگیری‌های بی‌انتهای در جنوب غرب آسیا ترسیم می‌کنند؛ به نحوی که سخن گفتن از همکاری و به-ویژه همکاری اقتصادی و همگرایی و ایجاد نظم منطقه‌ای مبتنی بر همیاری در چنین اوضاعی فعلاً میسر نیست. اگر نیم‌نگاهی به خارج از جنوب غرب آسیا بیندازیم، مناطقی همچون جنوب شرق و شرق آسیا را می‌بینیم که اساساً با منطق ژئواکونومیک، چارچوب همکاری و رقابت را به‌گونه‌ای میان خود تنظیم کرده‌اند که نظم و ثبات نسبی منطقه‌شان حفظ شده و توسعه و شکوفایی را برایشان به ارمغان آورده است.

ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی خود در میان دو منطقه با دو منطق متفاوت قرار گرفته: آسیا در مفهوم کلی خود با منطق ژئواکونومیک و خاورمیانه با منطق ژئوپلیتیک. هرچه درگیری‌های ژئوپلیتیک، نظامی و امنیتی جنوب غرب آسیا بیش‌تر می‌شود، ضرورت و اهمیت چرخش به‌سوی ساختارهای ژئواکونومیک آسیایی نیز افزایش می‌یابد. بدیهی است این چرخش پارادایمی به‌معنای رها کردن و خاتمه نفوذ خاورمیانه‌ای ایران نیست؛ چون واقعیات جغرافیایی و ژئوپلیتیک، حضور ایران در خاورمیانه را برای حفظ امنیت ملی کشور حیاتی ساخته است.

از این رو، بازکردن پنجره‌ای جدید در سیاست خارجی ایران در قالب پارادایم ژئواکونومی آسیایی برای تأمین امنیت پایدار و افزایش گزینه‌های کنش استراتژیک کشور حیاتی است. کشورهای چین، کره جنوبی، ژاپن، اندونزی و ... بیش‌ترین رشد را در دو دهه اخیر داشته و در عرصه ماشین‌سازی، هواپیماسازی، کشتی‌سازی، پتروشیمی، صنایع الکترونیک و IT به تکنولوژی بسیار بالایی دست یافته‌اند که می‌توان با روابط گسترده، از ظرفیت‌های آنها استفاده نمود.

۱۱- تقویت همکاری‌ها با اروپا با استفاده از رقابت‌های تاکتیکی اتحادیه اروپا و آمریکا، به‌منظور تأمین اهداف اقتصادی و سیاسی: امروزه برآورد راهبردی اتحادیه اروپا درنظام

تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام / ۵۵

بین‌الملل نشان می‌دهد که این اتحادیه به‌واسطه چالش‌های متعددی که پیش‌روی آن قرار گرفته، تا حدود زیادی از قدرت تعیین‌کنندگی یک‌طرفه سابق در روابط خود با سایر بازیگران دور شده است. بحران اوکراین، چالش پناهجویان، تروریسم، برگزیت، بحران‌های مالی کشورهای ضعیف در اروپا، پیروزی احزاب راست‌گرای افراطی در انتخابات مختلف و ... مجموعه این چالش‌ها اروپایی به‌مراتب ضعیف‌تر از قبل را پیش‌روی ایران قرار داده است. چالش‌های یادشده، اروپای امروز را به‌شدت از دو ناحیه اقتصاد و امنیت آسیب‌پذیر ساخته، بحران پناهجویان و تروریسم که ریشه آن در بحران‌های امنیتی منطقه خاورمیانه است، اتحادیه اروپا را به سمت راه حل و همکاری با بازیگری کلیدی به‌نام ایران کشانده است. ایران نیز باید فرصت فعلی پیش آمده در روابط خود و اروپا را مغتنم شمرده، به تدوین استراتژی مشخصی در قبال این اتحادیه بپردازد:

الف) غیرامنیتی کردن روابط: باتوجه به‌نگاه امنیتی اروپا به‌ایران، استراتژی ایران باید بر این امر استوار باشد که ایران با وجود برخورداری از یک ایدئولوژی اسلامی و انتقاد به وضع موجود نظام بین‌الملل، هرگز تهدیدی امنیتی برای موجودیت دولت‌های اروپایی نبوده و نخواهد بود و اروپاییان باید نگاه امنیتی خود به ایران را اصلاح و نگاه سیاسی - امنیتی خود را با نگاهی فنی - اقتصادی جایگزین نمایند.

ب) تفکیک مسائل سیاسی - امنیتی از مسائل اقتصادی - تجاری: نهاد اتحادیه اروپا در چارچوب منطق کارکردگرایی خود محصول تفکیک هوشمندانه مسائل فنی از مسائل سیاسی - امنیتی و شروع فرایند همکاری درحوزه‌های فنی است؛ به‌گونه‌ای که در چارچوب این منطق، با شروع همکاری درحوزه سیاست پایین (مسائل اقتصادی و فنی) و چشیدن سود حاصل از منافع متقابل همکاری دراین حوزه‌ها، این همکاری را می‌توان به‌تدریج به‌حوزه سیاست والا (مسائل سیاسی - امنیتی) نیز تسری داد.

پ) کاستن از چالش‌های سیاسی فی‌مابین از طریق بالابردن سطح مناسبات اقتصادی: در این زمینه

می‌توان از الگوی روابط چین و عربستان با اتحادیه اروپا کمک گرفت. چین و عربستان نیز همانند جمهوری اسلامی ایران در زمینه مسائل حقوق بشری و بحث اعدام‌ها مورد انتقاد اتحادیه اروپا هستند؛ اما مشاهده می‌کنیم که با وجود چنین چالش مشابهی، از سطح روابط راهبردی با اتحادیه اروپا برخوردارند. در واقع، سطح مناسبات اقتصادی و تجاری چین (دومین شریک اقتصادی اتحادیه اروپا پس از آمریکا) و عربستان با اتحادیه اروپا به میزانی است که اتحادیه اروپا هرگز تمایل ندارد آن را فدای چالش‌های سیاسی فی مابین نماید.

ت) نهادسازی و ساختارمند کردن روابط دوجانبه: یکی از ضعف‌های اساسی روابط ایران و اتحادیه اروپا، فقدان چارچوب‌های ساختاری و نهادی در تنظیم روابط است. در واقع، روابط میان ایران و اتحادیه در گذشته صرفاً بر اساس یک سری تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهای فی‌مابین بوده و از سازوکاری نهادی پیروی نکرده است. این درحالی است که روابط خارجی اتحادیه اروپا به جهان خارج بر اساس سازوکارهای تعریف شده و خاصی تنظیم می‌شود. اتحادیه اروپا در روابط تجاری و اقتصادی خود با کشورهای ثالثی که عضو سازمان جهانی تجارت نیستند، از موافقت‌نامه‌های تجاری غیرترجیحی همچون: موافقت‌نامه تجارت و همکاری و موافقت‌نامه شراکت و همکاری بهره می‌گیرد.

چارچوب کلی این موافقت‌نامه‌ها شامل اصول کلی، گفتگوی سیاسی، تجارت کالا، حمایت از حقوق مالکیت فکری، صنعتی و بازرگانی، همکاری‌های قانون‌گذاری، اقتصادی و همکاری‌های مالی در زمینه کمک‌های فنی است. از این رو، جمهوری اسلامی ایران برای نهادمندسازی روابط با اروپا و ثبات بخشیدن به آن باید به سمت انعقاد چنین موافقت‌نامه‌هایی حرکت کند؛ مسأله‌ای که در سند راهبردی پارلمان اروپا نیز تصریح شده است. علاوه بر این، موافقت با تأسیس دفتر نمایندگی اتحادیه اروپا در تهران نیز به فهم مشترک و تسهیل هرچه بهتر ارتباطات دوجانبه کمک خواهد نمود.

ث) توجه به نقش کلیدی سه قدرت بزرگ اروپایی در ساختار تصمیم‌گیری اتحادیه اروپا: با این‌که

تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام/ ۵۷

اتحادیه اروپا یک بلوک ۲۸ کشوری است و عمده تصمیم‌ها نیز بر مبنای آرای اکثریت اعضا اتخاذ می‌شود؛ اما برآوردهای راهبردی و تجارب موجود نشان می‌دهد که سه قدرت بزرگ اروپایی؛ یعنی آلمان، فرانسه و انگلستان هستند که مسئول اصلی تدوین و تنظیم روابط خارجی اتحادیه اروپا (همانند روابط اقتصادی با کشورهای ثالث) بوده و تربیت کادر اجرایی سرویس اقدام خارجی اروپایی را برعهده دارند. این سه قدرت اروپایی از اتحادیه اروپا به‌عنوان ابزار گسترش‌دهنده قدرت ملی خود سود می‌جویند و سمت و سوی کلی سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا را در راستای حداکثرسازی منافع ملی خود تنظیم می‌نمایند.

از این رو، در راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال اتحادیه اروپا، کشورهای آلمان، فرانسه و انگلیس باید از جایگاهی ویژه و کلیدی برخوردار باشند؛ زیرا هدف‌گذاری توسعه روابط با اتحادیه اروپا بدون توجه به اعضای اصلی آن، دستاورد چشمگیری برای ایران نخواهد داشت.

ج) پیگیری همزمان روابط دوجانبه با همه دولت‌های عضو اتحادیه اروپا؛ با وجود مجموعه واحدی به‌نام اتحادیه اروپا، هنوز هم دولت‌های عضو این اتحادیه، حاکمیت ملی خود را حفظ نموده و کشورهای ثالث در روابطشان با اروپا، همزمان با دو موجودیت سیاسی اتحادیه اروپا و دولت‌های ملی عضو آن روبه‌رو هستند. بنابراین، استراتژی ایران در قبال اروپا باید به‌صورت مشخص بر دو روند موازی استوار باشد:

روند اول مسیر موجود تعامل با اتحادیه و سازوکارهای آن؛ به‌ویژه تعامل با قدرت‌های اصلی اروپا و روند دوم، تعامل با تک‌تک کشورهای اروپایی بر اساس منافع مجزای آن کشور و فارغ از تعامل با اتحادیه اروپاست. دولت‌های عضو اتحادیه اروپا در شرایط بحرانی معمولاً به‌سوی سیاست‌های ملی‌گرایانه روی می‌آورند و درچنین شرایطی کیفیت روابط دوجانبه با آنان برای بهره‌برداری از فرصت‌های پیش آمده بسیار حائز اهمیت

خواهد بود.

ج) بهره‌گیری از رقابت‌های تاکتیکی اتحادیه اروپا و آمریکا در قبال ایران: اگرچه آمریکا و اروپا در مورد نحوه تعامل با جمهوری اسلامی ایران، به ارزیابی مشترک و توافق استراتژیک رسیده‌اند؛ اما این اتحاد استراتژیک به معنای آن نیست که این دو، اهداف و منافع تاکتیکی متمایزی در قبال ایران نداشته باشند.

اروپا می‌کوشد تا در چهارچوب استراتژی کلان تعامل غرب با ایران، منافع متوازن و متناسبی را در مقایسه با آمریکا کسب نماید. این مسأله به‌ویژه پس از آشکارشدن مذاکرات پنهانی ایران و آمریکا پیش از توافق هسته‌ای ایران و ۱+۵، کشورهای اروپایی را بر آن داشته است تا در پی تأمین منافع اروپایی بیش‌تری باشند. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در استراتژی خود در قبال اتحادیه اروپا، بر اساس یک دیپلماسی هوشمندانه و حذفی از رقابت‌های تاکتیکی اروپا و آمریکا برای پیشبرد اهداف و تأمین منافع ملی خود استفاده بهینه نماید.

۱۲- کاهش تنش با ایالات متحده آمریکا به منظور سلب ابتکار عمل از آمریکا: ایران با کاهش تنش با ایالات متحده می‌تواند قدرت منطقه‌ای خود را تثبیت کند، از مشکلاتی که در منطقه با آن درگیر است، خارج شود و با کشورهای دیگر؛ به‌ویژه کشورهای غربی و پیشرفته شرق دور که از تکنولوژی، توانمندی و فناوری بهره‌مند هستند، بدون مزاحمت آمریکا همکاری داشته باشد.

همان‌گونه که در برخی از ادوار سیاست خارجی ایران، آمریکا و ایران بر سر مسائل مهم منطقه‌ای، همچون: طالبان، عراق، هسته‌ای و... همکاری جزئی و نسبی داشته که در واقع به نفع ایران هم بوده، در دیگر مسائل منطقه‌ای مانند عراق، افغانستان، یمن و سوریه و امنیت خلیج فارس نیز می‌توان گفتگو کرد و نیازی هم به علنی کردن گفتگوها نیست. ایران باید کار اقتصادی را با آمریکا پیش‌برد و مسائل سیاسی را نیز جداگانه پیگیری

تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام/ ۵۹

نماید. شرایط بی‌نظیری برای ایران در زمینه بهره‌مندی از دیپلماسی نرم به‌وجود آمده که موجب تعمیق شکاف داخلی و خارجی آمریکا برای اقدام علیه ایران خواهد شد. منافع ملی کشور ایجاب می‌کند از هرگونه اقدامی که موجب اجماع بین‌المللی و داخلی در آمریکا علیه ایران شود، خودداری شود و ایران در اولویت اول آمریکا قرار نگیرد. مؤثرترین راه مقابله با آمریکا، نوعی از دیپلماسی است که بتواند مردم و افکار عمومی آمریکا و جهان را از تدریج‌های آمریکایی دورو به ایران نزدیک کند.

جهان به‌شدت به‌سمت چندجانبه‌گرایی حرکت کرده است. بسیاری در دنیای فعلی دنباله‌رو یکجانبه‌گرایی و ملی‌گرایی نیستند. قدرت‌های جهانی مثل کشورهای اروپایی، روسیه، چین، هند و ژاپن در تداوم و مشروعیت برجام و ضرورت ادغام و همکاری ایران در حل مسائل منطقه کاملاً با هم متحد هستند. بهترین راهکار برای مقابله با آمریکا ایجاد شکاف در مواضع بین‌المللی آمریکا از طریق روابط با سایر قدرت‌های جهانی و درعین حال پرهیز از هرگونه اقدامات متقابل و تلافی‌جویانه است.

از دیگر استراتژی‌های ایران، بین‌المللی کردن سطح مناقشه با آمریکا از طریق رایزنی با کشورهایمانند چین و کشورهای اروپایی است. برای تأثیرگذاری اقدامات، ایران باید مشکلات و معضلاتش با آمریکا را در یک فضای بین‌المللی و جهانی مطرح کند.

ایران باید از اقدامات و مواضع تحریک‌آمیز بی‌موردی که صرفاً بهانه به‌دست آمریکا می‌دهد، پرهیزد و برای جلوگیری از درگیری نظامی بین شناورهای نظامی ایران و آمریکایی در حال حرکت در خلیج فارس، مراقبت هوشمندانه داشته باشد تا بهانه‌جویی‌های آمریکا برای برخورد نظامی احتمالی با ایران سلب شود. باید از فرصت‌های همکاری غیرمستقیم تهران-واشنگتن در منطقه برای مقابله با تروریسم و داعش حداکثر استفاده شود. در این صورت، طبق نظریه تسری (Spill-Over) احتمال تنش‌زدایی در زمینه‌های دیگر هم به‌وجود می‌آید. ایران باید با تقویت همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

فرایند غنی‌سازی اورانیوم، ذخایر سوخت هسته‌ای و آب سنگین خود را بر اساس استانداردهای برجام، تنظیم نموده و توسعه دهد تا هیچ بهانه‌ای برای سوءاستفاده علیه برجام به دست آمریکا نیفتد.

نتیجه‌گیری

با توجه به آثار و پیامدهای مختلف برجام در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، در این پژوهش کوشش شد ضعف‌ها، قوت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای برجام شناسایی و داده‌های آماری بر اساس swot و space تجزیه و تحلیل شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که موقعیت فعلی ایران پس از برجام در ناحیه SO (ناحیه توسعه‌ای - تهاجمی) قرار دارد. با توجه به این موقعیت و شرایطی که در برجام ذکر شده، جمهوری اسلامی ایران برای بازگشت به وضعیت مطلوب باید مناسب‌ترین استراتژی ژئوپلیتیک اثربخش و شرح وظایف جدیدی را در سیاست خارجی تعیین و اجرا نماید که در این مقاله دوازده مورد از اهم آنها تدوین و ارائه شد.

با توجه به سیاست‌های تهاجمی و ائتلاف منطقه‌ای برخی کشورهای منطقه علیه ایران، فشارهای همه‌جانبه ایالات متحده، حضور روزافزون چین و روسیه در منطقه، گسترش نیروهای تروریستی و بحران‌های پی‌درپی، جمهوری اسلامی ایران با داشتن منابع انرژی قابل توجه، حوزه نفوذ پیرامونی، همسایه‌های متعدد، قرارگرفتن در منطقه استراتژیک و تعامل مناسب با اتحادیه اروپا، برای دستیابی به منافع ملی و ارتقای وزن ژئوپلیتیک خود باید موارد زیر را مد نظر قرار دهد:

۱- مهم‌ترین پایه امنیت ملی ایران، راضی بودن مردم ایران از زندگی و امیدوار بودن آنهاست که با تداوم کنترل نقدینگی، کاهش تورم و نیز ارتقای شاخص‌های توسعه انسانی، باید اصلی‌ترین بنیاد قدرت ملی را تحکیم نمود.

تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام/ ۶۱

۲- دولتمردان جمهوری اسلامی ایران باید این نکته را مد نظر قرار داشته باشند که اگر قرار باشد منابع و ظرفیت‌های باقی مانده کشور پس از رهایی از مسأله هسته‌ای، در مسیرهای بحران دیگری درگیر شود، ممکن است مملکت کشش لازم را نداشته باشد و با تهدیدها و خطرهای جدی مواجه شود.

۳- لازم است میان توانایی‌های ملی و میزان تعهدات منطقه‌ای توازن وجود داشته باشد. نادیده گرفتن این مسأله می‌تواند هزینه‌های گزافی داشته باشد. سرنوشت شوروی نمونه بارزی در این مورد است.

۴- جلب و توسعه سرمایه‌گذاری خارجی و استقرار آن در قلمرو جغرافیایی کشورها علاوه بر توسعه، زمینه‌ساز امنیت ملی آنهاست. داشتن نقش اساسی در تأمین انرژی جهانی، ضامن درآمدهای کافی برای توسعه کشور بوده، امنیت ملی کشور را نیز تضمین خواهد کرد. صنایع نفت و گاز ایران نیازمند سرمایه‌گذاری در بخش‌های قبلی و حوزه‌های جدید است که هر کدام به میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری خارجی نیاز دارد که باید در اولویت اول سرمایه‌گذاری خارجی قرار گیرد.

۵- آنچه در شرایط گذر از تحریم برای سیستم کشور ضرورت دارد، اعتمادسازی و هماهنگ‌سازی خود با قوانین بین‌الملل است. هرچه میزان ارتباط ایران با بانک‌ها، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی افزایش یابد، استفاده از تسهیلات و امکانات این نهادها، می‌تواند چهره بهتری برای اقتصاد کشور ایجاد کند.

دیپلماسی اقتصادی باید بتواند با پررنگ کردن فرصت‌های ایران، چون: ژئوپلیتیک منحصربه‌فرد، منابع نامحدود خدادادی، نیروی کار ارزان و ماهر، بازار پرجمعیت داخلی و بازارهای پرجمعیت و پرمصرف در نواحی مجاور، سرمایه‌گذاران خارجی را برای حضور در ایران ترغیب کند.

۶- استفاده مطلوب از فرصت‌ها و مزایای برجام، نیازمند آرامش منطقه‌ای است. برخی

کشورهای مسلمان به دلیل ترس نابجا و بی‌دلیل از جمهوری اسلامی ایران، در حال چرخش به مسیری هستند که نتیجه آن، تحکیم هرچه بیش‌تر امنیت و رژیم صهیونیستی است. لازم است کوشش برای رفع سوء تفاهم‌ها و اختلاف‌ها با کشورهای منطقه و به‌ویژه همسایگان و تأکید بر مسأله «خاورمیانه عاری از سلاح‌های هسته‌ای» در دستورکار سیاست خارجی ایران باشد.

۷- جمهوری اسلامی ایران نسبت به ترکیه باید سیاست مدارا در پیش گیرد و ضمن حفظ اقتدار خود، عجله‌ای در واکنش به اقدامات ترکیه از خود نشان ندهد و با گفتگو و بالا بردن حجم مبادلات اقتصادی، از ترکیه امتیازات بیش‌تری بگیرد. به‌علاوه عادی‌سازی مراودات اقتصادی در ایران و اتحادیه اروپا نیز مسبب شرایط اقتصادی ویژه‌ای برای ترکیه خواهد بود.

۸- با توجه به وابستگی مداوم هند به انرژی و لزوم دسترسی به آسیای مرکزی و قفقاز، استفاده از فضای سرزمینی و خرید انرژی از ایران توسط هند، ایران می‌تواند از پتانسیل عضویت هند در پیمان همکاری شانگهای، سارک، بریکس و نیز فناوری اطلاعات، داروسازی و... استفاده نماید.

۹- شرق و غرب سیاسی دیگر معنا ندارد. تأمین کم‌هزینه نیازها و منافع جمهوری اسلامی ایران، در گرو روابط متوازی و گسترده با همه کشورها و کنشگران بین‌المللی است. پیوند با یکی و گسست از دیگری در روابط بین‌الملل به معنای افزایش هزینه‌ها و کاهش دستاوردهاست.

۱۰- مناطقی همچون جنوب شرق و شرق آسیا با منطق ژئواکونومیک، چارچوب همکاری و رقابت را به‌گونه‌ای میان خود تنظیم کرده‌اند که نظم و ثبات نسبی منطقه‌شان حفظ شده و توسعه و شکوفایی را برایشان به‌ارمغان آورده است. از این‌رو، بازکردن پنجره‌ای جدید در سیاست خارجی ایران در قالب پارادایم ژئواکونومی آسیایی برای تأمین امنیت پایدار و

افزایش گزینه‌های کنش استراتژیک کشور حیاتی است.

۱۱- با توجه به چالش‌های اقتصادی و امنیتی پیش روی اتحادیه اروپا و همکاری مناسب در مسأله هسته‌ای، جمهوری اسلامی ایران باید ضمن غنیمت شمردن فرصت فعلی با غیرامنیتی کردن روابط، تفکیک مسائل سیاسی - امنیتی از مسائل اقتصادی-تجاری، کاهش چالش‌های سیاسی از طریق بالابردن سطح مناسبات اقتصادی، نهادسازی و ساختارمند کردن روابط دوجانبه، توجه به نقش کلیدی سه قدرت فرانسه، آلمان و انگلستان و بهره‌گیری از رقابت‌های تاکتیکی اتحادیه اروپا و امریکا در قبال ایران، برای پیشبرد اهداف و تأمین منافع ملی خود استفاده بهینه نماید.

۱۲- منافع ملی جمهوری اسلامی ایران ایجاب می‌کند که با دیپلماسی رسمی و عمومی از هرگونه اقدامی که موجب اجماع بین‌المللی و داخلی در امریکا علیه ایران شود خودداری گردد. برای مقابله با امریکا باید با ارتقای سطح روابط با سایر قدرت‌های جهانی و پرهیز از هرگونه اقدامات متقابل و تلافی‌جویانه، در مواضع بین‌المللی امریکا شکاف انداخت. ایران باید مشکلات و معضلاتش را با امریکا در یک فضای بین‌المللی و جهانی مطرح کند و از طریق رایزنی با کشورهای همانند چین و اتحادیه اروپا، سطح مناقشه با امریکا را بین‌المللی کند. از اقدامات و مواضع تحریک‌آمیز بی‌مورد که صرفاً بهانه به دست امریکا می‌دهد، بپرهیزد و با تقویت همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، فرایند غنی‌سازی اورانیوم، ذخایر سوخت هسته‌ای و آب سنگین خود را بر اساس استانداردهای برجام، تنظیم کند و توسعه دهد تا هیچ بهانه‌ای برای سوء استفاده علیه برجام به دست امریکا ندهد.

منابع

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌اله. (۱۳۹۴). «کالبدشناسی مذاکره هسته‌ای ایران و آمریکا تا حصول برجام و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، ش ۳۰. رشنو، نبی‌اله. (۱۳۸۸). ملاحظات ژئوپلیتیک در شرایط جدید سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸/۱۲/۲۰. قابل دسترسی در: www.tabnak.ir/Fa/89602
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۸۹). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
- علی احمدی، علیرضا؛ فتح‌اله، مهدی و تاج‌الدین، ایرج. (۱۳۸۲). نگرش جامع بر مدیریت استراتژیک (رویکردها، پارادایم‌ها، مکاتب و...)، تهران: انتشارات تولید دانش.
- غریب‌آبادی، کاظم. (۱۳۸۸). دیپلماسی هسته‌ای دولت نهم، سیاست‌ها و دستاوردها، مبانی حکمی و سیاست عملی دولت نهم در روابط بین‌الملل، تهران: مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.
- فلاحی، سارا. (۱۳۸۶). «بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی هسته‌ای دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد (تا پایان قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت)» پژوهشنامه علوم سیاسی، ش ۶.
- کمپ، جفری و هارکاو، رابرت. (۱۳۸۳). جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه سید مهدی حسین متین، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- Hunter, T, S, (2010). *Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era*, Greenwood, Santa Barbara, California.
- Jahanpour, Farhang, (2007). "Chronology of Iran's Nuclear Programme, 1957-2007", Oxford Research Group, Access in: <http://www.oxfordresearchgroup.org.uk>.
- Kibaroglu, Mustafa, (2007). "Iran's Nuclear Ambitions from a Historical Perspective and the Attitude of the West", *Middle Eastern Studies*, Vol. 43, No. 2, Access in: <http://www.mustafakibaroglu.com>
- Shanon, N.K, (2005). *Europe and Iran's Perspectives on Non-Proliferation*, Oxford University Press.

The Explanation of Strategy of Geopolitics of Islamic Republic of Iran in Post Joint Comprehensive Plan of Action

Mohsen Biuck: Ph.D. student in political geography, IAU, Science and Research Branch, Tehran.

Abdolreza Farajirad¹ (corresponding author): Associate professor in political geography, IAU, Science and Research Branch, Tehran.

Ezzatollah Ezzati: Associate professor, IAU, Science and Research Branch, Tehran.

Received on: 24.10.2017

Accepted on: 23.4.2018

Abstract:

Iran's attainment to nuclear technology and consequent multilateral sanctions imposed on Iran by the security council of the United Nations aimed at Iran's national power and led to the reduction of Iran's geopolitical weight. After twelve years of negotiations and change in foreign policy mechanism and apparatus and adopting détente strategy, confidence building measures in Rouhani government and twenty three months of negotiations with six global powers Iran could arrive into an agreement on nuclear issue on 14 July 2015 in Vienna called Joint Comprehensive Plan of Action (JCPA). Taking into consideration the impact and implications of JCPA, the present article wants to answer the following questions: "What are the positive points, weaknesses, opportunities and geopolitical threats of JCPA?", "What is the geopolitical strategy of Iran after JCPA?" The article introduces SWOT analytical method and the evaluation of the position and strategic action (SPACE). The finding of the article shows that Iran position after JCPA is located on "SO" point. Therefore in proportion with the location in this point the paper introduces and formulates the geopolitical strategy of Islamic Republic of Iran after JCPA.

Key words: JCPA, geopolitical location, geopolitical weight, geopolitical strategy, SWOT

1. a.farajirad@yahoo.com